



Nomadic Policies in the Pahlavi & Islamic Republic Periods

Amin Aryan Rad¹ 

1. Assistant Professor at Humanities Research Centre, Tehran, Iran.

Abstract

In the Islamic period, the nomads became an important political and military force, therefore, from the Safavid period, the policy of resettling and deporting the nomads was on the agenda with the aim of weakening them, and it continued during the Afsharid period until the Qajar period. The Pahlavi government put a new nomadic policy on the agenda with relatively different goals and implementation ways. The findings of this research show that the nomadic policy of the Pahlavi government was formulated with the aim of establishing security and social engineering and integrating the Nomads into a single settlement in the hope of creating a single geography in the land of Iran. In the beginning, the implementation of this policy was accompanied by the suppression of nomads, but in the future, it was followed in a peaceful and continuous way to replace them and change the way of livelihood of nomads to herd management and agriculture. In response to the nomadic policy of the Pahlavi period, the government of the Islamic Republic encouraged the nomads to migrate at the beginning, but soon, due to the failure to solve the problems faced by the nomads and the loss of interest of the nomads in this way of life, it adopted the policy of voluntary resettlement of the nomads. Failure to properly follow this policy also led to the voluntary & independent settlement by Nomads.

Article Info

Article type: Research**Received:** October 20, 2025**Received in revised from:**

November 06, 2025

Accepted: November 13, 2025**Published online:** December 21, 2026**Keywords:**

Nomads, Nomadic Policies, Pahlavi, Islamic Republic.

*Corresponding author:

a.aryanrad@rch.ac.ir

سیاست های عشایری در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی

امین آریان راد^۱

۱. استادیار پژوهشکده علوم انسانی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۳۰ کلیدواژه ها: عشایر، سیاست عشایری، پهلوی، جمهوری اسلامی، کوچ نشینی. * نویسنده مسئول: a.aryanrad@rch.ac.ir	در دوره اسلامی، عشایر به نیروی سیاسی و نظامی مهمی تبدیل شدند؛ از همین رو، از دوره صفویه سیاست اسکان و تبعید عشایر با هدف تضعیف آن ها در دستور کار قرار گرفت و این روند در دوران افشاریه تا قاجاریه نیز تداوم یافت. حکومت پهلوی، اما سیاست عشایری نوینی را با اهداف و شیوه های اجرایی متفاوت تدوین کرد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که سیاست عشایری حکومت پهلوی با هدف برقراری امنیت، مهندسی اجتماعی و ادغام جمعیت کوچ رو در ساختار یکجانشینی، به امید ایجاد جغرافیای واحد در سرزمین ایران اجرا شد. این سیاست در آغاز با سرکوب نظامی همراه بود، اما در ادامه به شکلی آرام و مستمر، از طریق یکجانشین کردن و تغییر شیوه معیشت عشایر به رمة گردانی و کشاورزی دنبال شد. حکومت جمهوری اسلامی در واکنش به سیاست های دوره پهلوی، در ابتدا عشایر را به کوچ نشینی تشویق کرد؛ اما دیری نپایید که به سبب ناکامی در حل مشکلات پیش روی عشایر و کاهش تمایل آن ها به این شیوه زندگی، سیاست اسکان داوطلبانه را در پیش گرفت. در نهایت، عدم پیگیری بایسته این سیاست نیز منجر به شکل گیری پدیده «اسکان خودخواسته و خودبنیاد» عشایر گردید.

مقدمه

زندگی عشایری در محدوده فلات ایران، از پیشینه‌ای کهن برخوردار است و طبق داده‌های باستان‌شناسی پیشینه اجتماعات عشایری در ایران به پیش از تاریخ بازمی‌گردد (Bacon, 1954, pp.47-48; Potts, 2014, pp.5-6). محدودیت‌های طبیعی این محدوده شامل کوهستانی بودن، بریده بریده بودن اراضی و فقدان ارتباط آسان و منظم، شوره‌زار بودن زمین‌ها، قرار داشتن در معرض گرما و سرمای شدید با تغییرات ناگهانی و کمبود منابع آب جاری و بارش سالانه، انسان‌ها را ناگزیر ساخته که در جستجوی آب‌وهوای بهتر برای بخش دیگر ایام سال با نوعی تحرک کارآمد در شکل‌بندی زندگی اجتماعی خود باشند. بدین ترتیب بخش بزرگی از اهالی به زندگی عشایری روی آورده‌اند (پرهام، ۱۳۶۲، ص ۳۷۲؛ Ghirshman, 1978, pp.21-22; Deplanhol, 1968, pp. 409-412).

وجود دستجات عشایری در ایران از دوره پیش از اسلام (آتالی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰؛ فره‌وشی، ۱۳۷۹، صص ۷-۸) و مهاجرت دستجات عشایر عرب، ترک و مغول به ایران، عشایر ایران به‌ویژه ترکان را طی سده‌های دوره اسلامی به نیروی نظامی مهمی تبدیل کرد (Morgan, 2016, pp.35-36) که نقش مهمی در برآمدن سلسله‌ها و تداوم حیات آن‌ها داشتند. با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری سیاسی و نظامی عشایر (دوراند-گدی، ۱۴۰۱، صص ۱۷۴-۱۴۳)، سلسله‌های حاکم بر ایران به‌ویژه از دوره صفویان سیاست‌هایی را برای کنترل اعضای این جامعه از طریق جابجایی، تبعید یا کوشش برای یکجانشین کردن آن‌ها در پیش گرفتند. این سیاست در دوره کوتاه سلطنت نادرشاه افشار و سپس حاکمان زندیه و با شدت بیشتری در دوره قاجاریه تداوم یافت (مشفقی‌فر، ۱۳۸۶، صص ۴۲-۲۵).

سیاست عشایری حکومت پهلوی با هدف برقراری امنیت و مهندسی اجتماعی از طریق ادغام جمعیت کوچ‌رو در یکجانشین به امید ایجاد جغرافیای واحد در سرزمین ایران تدوین گردید. گرچه اجرای این سیاست در آغاز با سرکوب عشایر همراه بود، در ادامه به شکل یکجانشین کردن و تغییر آرام و مستمر شیوه معیشت عشایر به رمة گردانی و کشاورزی پیگیری شد. در واکنش به سیاست عشایری دوره پهلوی، حکومت جمهوری اسلامی در آغاز عشایر را به کوچ‌نشینی تشویق کرد، اما به‌زودی به سبب ناکامی در حل مشکلات پیش روی عشایر و از دست رفتن علاقه عشایر به این شیوه معیشت، سیاست اسکان خودخواسته عشایر را در

پیش گرفت. چگونگی و روند تدوین و اجرای سیاست‌های عشایری حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی و عوامل تغییر در این سیاست‌ها مسئله اصلی این پژوهش است.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده در زمینه سیاست عشایری در ایران محدود به بررسی سیاست عشایری دوره پهلوی اول (واعظ، ۱۳۸۸) یا سیاست عشایری جمهوری اسلامی در دهه نخستین این حکومت بوده‌اند (کیاوند، ۱۳۸۰). امری که این پژوهش را از پژوهش‌های یادشده متمایز می‌کند. اهمیت چنین مطالعه‌ای در آن است که جامعه عشایری ایران به‌رغم جمعیت اندک‌ش، همچنان دارای اهمیت اقتصادی است، چنان‌که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۷ این جامعه حدود ۳۰ درصد دام سبک کشور (حدود ۱۳۶۰۰۰۰۰ رأس گوسفند و بره و ۸۳۴۹۰۰۰ رأس بز و بزغاله) را در اختیار دارد و بنابراین همچنان در تولید گوشت قرمز کشور دارای جایگاه بسیار مهم و تأثیرگذاری است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، ص. ۶۲؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹، ص. ۴). به‌علاوه، در سال ۱۳۸۷ حدود ۲۴۰۰۰ خانوار عشایری به تولید حدود ۱۶۰۰۰۰ متر مربع قالی، قالیچه و گبه و حدود ۹۵۹۰ خانوار عشایری به تولید ۶۵۰۰۰ متر مربع گلیم و زیلو پرداختند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، صص. ۱۱۵، ۱۱۹). اعضای جامعه عشایری بر اساس گزارش سال ۱۳۹۸، تولیدکننده حدود ۴۰ درصد فرش صادراتی و ۳۵ درصد صنایع دستی کشورند (خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، ۱۳۹۸).

در این پژوهش مقصود از عشایر^۱، اجتماعات دامدار کوچنده و مقصود از جامعه عشایری^۲، جامعه‌ای است که دارای دو ویژگی مشخص یعنی نظام شبانی^۳ به‌عنوان یک نظام مولد و دیگری زندگی در گروه‌های متحرک و سیال است (تاپر، ۱۳۶۲، صص. ۲۷۴-۲۷۲). براین اساس، چادرنشینان دائم که هیچ محل سکونت در روستا و شهر نداشته باشند، نیمه کوچ‌نشینان که بخشی از سال را در چادرها و بخشی دیگر را در روستاها به سر می‌برند (فیروزان، ۱۳۶۲، ص. ۵۰).

1. Pastoral Nomads
2. Nomadic society
3. Pastoralism

و جمعیت‌های ایلی که نظام و ساختار ایلی خود را از دست داده‌اند، اما شیوه معیشت آنان بر دامداری کوچ‌رو مبتنی است جزو جامعه عشایری ایران‌اند همانند عشایر دامنه‌های جنوبی البرز (هورکاد، ۱۳۶۲، ص. ۱۴۵)؛ اما ایلاتی که در پی اسکان یافتن، خصوصیات شیوه معاش عشایری را از دست بدهند جمعیت عشایری به شمار نمی‌آیند، هرچند که هویت ایلی خود را حفظ کنند (پرهام، ۱۳۶۲، صص. ۳۶۵-۳۶۴)، همانند جمعیت‌های یکجانشین شده ایل‌های بختیاری و قشقایی.

۲. سیاست‌های عشایری در دوره پهلوی

پس از کودتای ۱۲۹۹ و شکل‌گیری حکومت پهلوی، به‌عنوان نخستین حکومت غیر ایلی ایران در سده‌های اخیر، سیاست عشایری بر پایه خلع سلاح، تخته‌قاپو، تغییر شیوه معیشت از کوچ‌نشینی به رمة گردانی و کشاورزی و نیز آموزش عشایر در دستور کار قرار گرفت. از آغاز مشروطه، موضوع اسکان ایلات و عشایر، با توجه به سرکشی آنان، نپرداختن مالیات، غارت و تخریب روستاها و زمین‌های کشاورزی، از سوی منورالفکران و مشروطه‌خواهان مطرح شده بود (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، صص. ۵۱۱-۵۱۲). نقش عمده عشایر در درگیری‌ها و ناامنی‌های دوران جنگ جهانی اول و نهضت جنگل نیز مزید بر علت شد. از این‌رو، به نظر می‌رسد هدف اصلی این سیاست، بیش از هر چیز، تحت نظر گرفتن عشایر (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۲، ص. ۱۱۸) و برقراری امنیت بود (پهلوی، ۱۳۵۵، ص. ۴). البته کوشش برای مهندسی اجتماعی و ادغام جمعیت کوچ‌رو در جامعه یکجانشین، با هدف ایجاد جغرافیای سیاسی و اجتماعی یکپارچه در سرزمین ایران، نیز نباید از نظر دور بماند (Cronin, 2007, p. 191). به‌هرروی، این سیاست در سه دوره به اجرا درآمد: دوره نخست که از حدود ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ به طول انجامید، با خلع سلاح عشایر، یکجانشینی اجباری و در نتیجه، جنگ با آنان همراه بود. دوره دوم، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، در آغاز با آزادی عمل عشایر و بازگشت گروه‌هایی از آنان به زندگی کوچ‌نشینی همراه شد، اما به‌تدریج، با تسلط دوباره حکومت بر اوضاع، سیاست پیشین بار دیگر در دستور کار قرار گرفت. دوره سوم، از ۱۳۳۲ و به‌ویژه از ۱۳۴۱ تا پایان حکومت پهلوی، با اجرای اصول انقلاب سفید همراه بود که زمینه اسکان بسیاری از عشایر را فراهم کرد (رسترو، ۱۳۵۹، ص. ۴۱).

در این راستا، حکومت پهلوی طی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ عشایر لر، کرد، ترکمن، بلوچ و

ایلات بختیاری، قشقایی، ممسنی، بویر احمد، عرب و شاهسون را با استفاده از نیروی ارتش و دسته‌هایی از عشایر هواخواهش، سرکوب و خلع سلاح کرد (بیات، ۱۳۶۵، صص. ۹-۸؛ برای جزئیات بیشتر ر.ک. به: سردار بهادر بختیاری، ۱۳۷۲، صص. ۲۲۸-۲۳۷، ۲۰۶-۲۰۵، ۱۶۲، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۴۲، ۱۲۹-۱۲۸؛ حاج علی رزم‌آرا، ۱۳۲۰، صص. ۲۵-۱۳؛ جهانبانی، ۱۳۳۶، صص. ۸۵-۳۹؛ باور، ۱۳۲۴، صص. ۷۶-۷۲؛ Oberling, 1974, p. 163). سپس با تأسیس اداره اسکان عشایر زیر نظر وزارت داخله (غفاری، ۱۳۶۸، ص. ۲۲۳)، سیاست تخته‌قاپو و اسکان عشایر در دستور کار قرار گرفت. در همین راستا، آبادی‌ها و شهرک‌هایی برای اسکان عشایر احداث شد (حسینی رزم‌آرا، ۱۳۵۵، ج ۱۰، ص. ۱۱۲؛ پور بختیار، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، صص. ۴۵، ۴۳، ۳۸-۳۷؛ هورکاد، ۱۳۶۲، ص. ۱۳۴؛ کیاوند، ۱۳۸۰، صص. ۱۲۸-۱۲۶).

هم‌زمان با خلع سلاح و تخته‌قاپوی عشایر، تعداد معدودی از اعضای هر ایل، با پروانه مخصوص و زیر نظر مأموران انتظامی حق کوچ کردن یافتند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۲، صص. ۱۱۸-۱۱۷؛ پور بختیار، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، ص. ۴۴؛ اعظام قدسی، ۱۳۴۹، ج ۲، صص. ۱۸۰-۱۷۹). بدین ترتیب، کوشش نافرجامی انجام شد تا این عشایر ضمن بهره‌گیری از مزایای زندگی یکجانشینی، در قالب رمه‌گردانی شیوه معیشت خود را تا حدی حفظ کنند. همچنین در لرستان، کرمانشاه و آذربایجان، اراضی خالصه میان عشایر تقسیم شد تا به کشاورزی بپردازند (واعظ، ۱۳۸۸، صص. ۴۰۱-۴۰۰، ۳۳۸-۳۳۱؛ اعظام قدسی، ۱۳۴۹، ج ۲، صص. ۱۳۹-۱۳۵). عمران مناطق عشایری در قالب تأمین هزینه لایه‌روبی قنات‌های لرستان، تسهیل ورود نهال به پشتکوه، راه‌سازی و نیز راه‌اندازی شعب سازمان شیر و خورشید در دستور کار قرار گرفت (واعظ، ۱۳۸۸، صص. ۴۱۷، ۳۵۲-۳۴۶).

قدرت خوانین و سران عشایر نیز با فروش و تعویض املاک آن‌ها کنترل گردید (بیات، ۱۳۸۹، ص. ۲۲؛ پور بختیار، ۱۳۸۷، صص. ۳۹۴-۳۹۱). به‌علاوه با اصلاح قانون انتخابات در ۱۳۱۳، ایلات و عشایر نمایندگان مستقیم خود در مجلس شورای ملی را از دست دادند (قانون انتخابات مجلس شورای ملی، ۱۲۹۰). پس از اسکان اجباری با تأسیس اداره تعلیمات عشایری، از سال تحصیلی ۱۳۰۸-۱۳۰۷ مدارس عشایری و درالتریه‌های عشایری شبانه‌روزی آغاز به کار کردند تا کودکان عشایر به زندگی منظم و شهرنشینی عادت کنند و اصول و افکار مدنی در آن‌ها تقویت شود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۷، صص. ۲۳۰-۲۲۵؛ ملک‌زاده، ۱۴۰۱، صص.

۲۵-۲۷). همچنین مسئله‌ای که بر حیات عشایر تأثیر گذاشت، «قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخله مملکت» در ۱۳۰۷ (وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، صص ۱۰-۱۱) و کشف حجاب در ۱۳۱۴ (وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، صص ۱۳۵-۱۳۲) بود.

تا پیش از تصویب آن قانون و متحدالمآل در دوره سلطنت رضاشاه، لباس عشایر با لباس یکجانشینان شهرها و روستاهای هم‌جوار شباهت بسیار داشت. از آن پس با تغییر لباس شهرنشینان و سپس روستانشینان به سبک فرنگی از یک‌سو و مقاومت عشایر در برابر این تغییر و ناتوانی مالی آنان در تأمین پوشاک فرنگی از سوی دیگر، پوشش عشایر جلوه‌ای متمایز و منحصر به فرد یافت. اگرچه در اثر محدودیت‌های وضع شده در آن دوره، استفاده از چادر که نزد برخی ایلات از جمله «قره‌پایاق» رایج بود، با ممنوعیت روبه‌رو شد و به نظر می‌رسد از این زمان از رواج افتاد، اما تلاش‌های حکومت برای حذف چارقد زنان عشایر به فرجام نرسید (وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، صص ۳۵۹، ۳۵۷، ۳۵۵-۳۵۴، ۳۵۰). در مجموع، سیاست تخته‌قاپوی عشایر در این دوره با آزار و اذیت و کشتار آن‌ها همراه شد و تلفات سنگینی بر چهارپایان اهلی وارد آورد و عشایر را فقیر کرد (Lambton, 1953, p.286). همچنین کوشش حکومت پهلوی برای سرکوب ترکمن‌های یموت در ۱۳۰۴ موجب گریز بسیاری از آنان به‌سوی شوروی و سکونت در آنجا گردید (آیرونز، ۱۳۶۲، صص ۱۶۸-۱۶۷؛ Arfa, 1964, pp. 166-184). از همین‌رو در واپسین سال‌های سلطنت رضاشاه، تعدیل این سیاست به سبب تأثیر منفی بر اقتصاد کشور در دستور کار قرار گرفت (Lambton, 1953, p.286). به‌علاوه ریشه‌دار بودن شیوه معیشت عشایری، موروثی بودن مقام ایلخانی و خانی و ساخت اجتماعی ایلات زمینه‌ساز حفظ جوامع عشایری و تداوم کوچ گردید (رستریو، ۱۳۵۹، ص ۴۹). لذا این اقدامات سبب شد جمعیت چادرنشین ایران از ۴۱۳۸۲۳۰ تن در ۱۳۰۲ (نجمی تیریزی، ۱۳۴۲، ص ۷۸) به حدود ۳۱۰۰۰۰۰ در ۱۳۱۸ کاهش یابد که از آن‌ها با نام «جمعیت سیار» نام برده می‌شد (احتسایان، ۱۳۱۸، ص ۲۴۴). در آغاز دوره محمدرضا شاه پهلوی از دست رفتن کنترل اوضاع موجب آزادی عمل عشایر و در ادامه نوعی همکاری میان حکومت و عشایر در برابر تحرکات بر ضد دولت مرکزی و نیز فعالیت‌های حزب توده شد، اما با پایان یافتن این دوره، سیاست یکجانشین

کردن عشایر و تغییر شیوه معیشت آن‌ها با راه‌اندازی سازمان‌های عمران و نیز گسترش سواد در دستور کار قرار گرفت.

در آغاز این دوره، با بروز آشفتگی در اوضاع و ناتوانی دولت در تأمین امنیت، هم‌زمان با فروپاشی ارتش، بسیاری از خوانین تبعیدشده به مناطق عشایری بازگشتند و شماری از عناصر ایلی اسکان‌یافته نیز بار دیگر به زندگی عشایری روی آوردند. افزون بر آنکه کوچ کردن از ملزومات زندگی عشایری به شمار می‌رفت، روحیه سرکش عشایر و نیز اخاذی‌های دوران اسکان، آنان را به بازگشت به شیوه زندگی کوچ‌نشینی ترغیب می‌کرد (Lambton, 1953, p. 286). ایلات و عشایر، سکونتگاه‌های دائمی را که به اجبار وادار به ساختن آن‌ها شده بودند، ویران کردند و بار دیگر به زندگی کوچ‌نشینی بازگشتند (حسینعلی رزم‌آرا، ۱۳۵۵، ج ۱۰، ص. ۱۱۲؛ آبرونز، ۱۳۶۲، ص. ۱۷۰؛ کیاوند، ۱۳۸۰، صص. ۱۲۹-۱۲۸). حتی بسیاری از طوایف ایل عرب که فاقد ایلخانی بودند، تحت سرپرستی فرماندهان نظامی، در همان نواحی پیشین، دوباره زندگی کوچ‌نشینی را از سر گرفتند (Garrod, 1946, p. 44; Magee, 1945, pp. 120, 122).

تلاش خوانین قشقایی، بختیاری و بویراحمدی برای احیای اقتدار محلی و ازسرگیری کوچ‌نشینی و به‌ویژه کوشش خوانین قشقایی برای بازگرداندن املاک مصادره شده خود در سمیرم، موجب بروز ناآرامی‌هایی شد (بیات، ۱۳۸۹، صص. ۳۳، ۲۲-۱۳). این رویدادها زمینه‌ساز وقوع «فاجعه سمیرم» در سال ۱۳۲۲ شد که در نتیجه آن، ایلات نام‌برده شهر سمیرم و پادگان ارتش را اشغال کردند و شهر و بخش سمیرم آسیب‌های جدی دید (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳، صص. ۳۶۱-۳۵۷؛ بیات، ۱۳۸۹، صص. ۲۵۳، ۱۸۳، ۱۳۷-۱۳۶). در همین زمان، گروه‌هایی از ایلات مختلف نیز به راهزنی روی آوردند (ایوانف، ۱۳۸۵، صص. ۱۹۶-۱۹۵، ۱۵۴، ۱۳۱-۱۳۰، ۱۰۷؛ Magee, 1945, p. 119).

بروز این بی‌نظمی‌ها در مناطق عشایری موجب شد، دولت استقرار نظم و امنیت عمومی را به خان‌ها بسپارد. این افزایش قدرت عشایر در فارس بیشتر از دیگر نقاط عشایری بارز بود. چنین اقدامی برخلاف منطقه قراجه‌داغ که رؤسای ایل چلبیانلو با ایجاد رعب و وحشت از روستاییان باج می‌گرفتند، در مناطق عشایری فارس و خوزستان نتیجه تقریباً مطلوبی به بار آورد. به هر رو به رسمیت شناختن دیگر باره اختیارات خان‌ها در اداره امور عشایر، موجب تقویت قدرت مالی آن‌ها از طریق دریافت باج و مالیاتی شد که خان‌ها مدعی بودند

برای اداره امور عشایر بدان نیاز دارند (Lambton, 1953, pp.286-288). حکومت پهلوی همچنین کوشید از نیروهای عشایری غرب و جنوب کشور برای مقابله با فعالیت‌های کارگری و سیاسی حزب توده ایران استفاده کند (گودرزی، ۱۳۲۷، ص. ۴۴؛ بیات ۱۳۹۱، صص. ۶۱-۵۸). در شمال غرب ایران عشایر شاهسون نیز در جریان حکومت فرقه دموکرات آذربایجان، در حمایت از دولت مرکزی با این فرقه مخالفت کرده و وارد جنگ با آنان شدند (Tapper, 1997, pp.297-298).

با پایان یافتن این بحران‌ها، دوره کوتاه همکاری میان حکومت و عشایر نیز به سر آمد و بار دیگر تضعیف عشایر و یکجانشین کردن آن‌ها این بار به شکلی آرام و مستمر در دستور کار قرار گرفت (Lambton, 1953, pp.288-289). در ۱۳۲۵ شورای عالی عشایر ایران به‌منظور رسیدگی به امور عشایر تأسیس شد. از مهم‌ترین فعالیت‌های این شورا، پیشنهاد تشکیل سازمان‌های عمران منطقه‌ای از جمله سازمان عمران دشت مغان و کهگیلویه و بویراحمد بوده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۱).

از ۱۳۲۸ در پی اجرای برنامه عمران دشت مغان با هدف راه‌اندازی شبکه‌های آبیاری گسترده، روستاهای بسیاری در این محدوده شکل گرفت و بیش از چهار هزار خانوار از عشایر شاهسون یکجانشین شدند و به کشاورزی با اصول جدید و با استفاده از ماشین‌آلات پرداختند (وزارت آب و برق، سازمان آب و برق آذربایجان، ۱۳۴۶، ص. ۱). در همین سال‌ها با توسعه کشاورزی مکانیزه در دشت گرگان، ترکمن‌های یموت نیز به یکجانشینی ترغیب شدند (آیرونز، ۱۳۶۲، صص. ۱۷۴-۱۷۳، ۱۷۰). در سیستان به‌رغم اجرا نشدن برنامه‌های عمرانی، خشکسالی و فقر روزافزون عشایر بلوچ و سیستانی زمینه‌ساز تضعیف زندگی عشایری و مهاجرت عشایر به نقاط دیگر ایران و یکجانشینی آنان گردید (رسترو، ۱۳۵۹، ص. ۲۵).

در اول آبان ۱۳۳۲ به فرمان محمدرضا شاه پهلوی، بار دیگر شورای عالی عشایر ایران در وزارت دربار شاهنشاهی تشکیل شد. سلیمان بهودی، نیابت رئیس و علی محمد آیرملو، دبیری کل این شورا را بر عهده گرفتند. این شورا تا اواخر دهه ۳۰ و با همکاری وزارت فرهنگ در هشت منطقه کشور، شامل شیراز، شاه‌آباد غرب (اسلام‌آباد غرب کنونی)، بهبهان، رضائیه (ارومیه کنونی)، دشت میشان (دشت آزادگان کنونی)، گنبدکاووس، شهرکرد و زاهدان، دانشسرای عشایری، تأسیس و دانش‌آموختگان این دانشسراها را برای

راه‌اندازی دبستان‌های ثابت و سیار در مناطق عشایری به این مناطق اعزام کرد. همچنین با همکاری وزارت بهداری، درمانگاه‌های ثابت و سیار و پست‌های بهداری در مناطق عشایری ایجاد گردید. برای گسترش کشاورزی طبق اصول جدید و توسعه سطح زیر کشت و اصلاح نژاد احشام نیز، تعداد قابل توجهی تراکتور با دریافت وام از بانک کشاورزی با اقساط دراز مدت در اختیار عشایر کشاورز قرار گرفت. با همکاری وزارت کشاورزی، دستجات مجهز دامپزشکی برای جلوگیری از بیماری‌های شایع دامی به مناطق عشایری اعزام گردید. این شورا در راستای اسکان عشایر و کمک به آگاهی عشایر از «مزایای زندگی شهرنشینی» با کمک وزارت راه، بخش‌هایی از راه‌های مناطق عشایرنشین را تسطیح و مرمت کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۲، ج ۱، صص ۱۱۵-۱۱۴).

در ۱۳۳۵ حکومت پهلوی سازمان سیاسی عشایر را دچار تحول اساسی کرد؛ کلیه خوانین از رأس قدرت هرم‌های ایلی مانند ایلخان، ایللیگ و خان حذف شدند و فقط کلانتران و کدخدایان باقی ماندند که عملکرد محدودی داشتند (بک، ۱۳۹۶، ص ۲۸۸؛ دیگر، ۱۳۶۸، صص ۲۱۴، ۱۸۵). در همین سال شعبه‌ای از ستاد کل و سپاهی مرکب از افسران تعلیم دیده برای اداره امور عشایر ایجاد گردید و جایگزین رؤسای سنتی شدند. این اقدام همراه با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رفته‌رفته دگرگونی بنیادینی در شکل قشربندی سنتی جوامع عشایری پدید آورد. بدین ترتیب، با فروپاشی نظام متمرکز قدرت رهبری در ساختار ایل‌ها، پایگاه و قدرت دستگاه رهبری و شأن و منزلت خوانین و حکمرانان ایل از هم فروپاشید (بلوکباشی، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

سلسله برنامه‌ها و اقدامات یادشده موجب شد تا پیش از انقلاب سفید و در آغاز دهه ۴۰ اکثر قریب به اتفاق عشایر ترکمن، ترک، کرد، لر (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۲، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۱۶) و عرب خوزستان (رزم‌آرا، ۱۳۲۰، صص ۳۰-۲۹) یکجانشین شوند. بخشی از طوایف بوبر احمد، ایل عرب و ایلات و طوایف محدوده کرمان نیز یکجانشین شدند، اما بخشی دیگر این طوایف و ایلات به همراه اکثر طوایف ایلات بختیاری، قشقایی، باصری، ممسنی و کرد شولی تقریباً کوچ رو باقی ماندند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۲، ج ۱، صص ۱۶۶-۱۴۴).

در پی اجرای انقلاب سفید و اتخاذ سیاست‌هایی چون اصلاحات ارضی، قانون ملی شدن

مراعات و صدور پروانه‌های انفرادی مراعات که به اشکال مختلف موجب محدود شدن دسترسی عشایر به علفزارها و از میان رفتن ایل راه‌ها شد و نیز پایین نگه داشتن قیمت فرآورده‌های دامی و در نتیجه کاهش صرفه اقتصادی دامداری، از یک سو و توسعه سرمایه‌داری، راه‌اندازی کارخانه‌های مختلف و افزایش نیاز به نیروی کار، گسترش شهرنشینی، توسعه راه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، تأسیس سازمان‌های عمران عشایری در برخی مناطق، ورود سپاه دانش و سپاه بهداشت به جامعه عشایری، گسترش مراکز تربیت معلم عشایری، تأسیس مدارس، افزایش سطح سواد و آشنایی با فرهنگ شهرنشینی و در نتیجه تحول در نگرش نسل جوان عشایر، افزایش سطح انتظارات و ایجاد تحرک اجتماعی، از سوی دیگر، زندگی عشایری دچار دگرگونی شد و بسیاری از اعضای جامعه عشایری به یکجانشینی گرایش یافتند (رستریو، ۱۳۵۹، صص. ۵۴-۵۲، ۲۹؛ امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۲، صص. ۱۲۹-۱۲۳؛ ۱۳۶۷، صص. ۲۵۱-۲۴۹؛ کریمپور، ۱۳۶۶، ص. ۹۱).^۱

افزایش شمار آبادی‌های کشور نیز گواهی بر یکجانشین شدن جمعیت عشایری طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۲ است، چنان‌که شمار آبادی‌های کشور از ۴۹۰۵۴ آبادی در ۱۳۳۵ به ۶۶۴۳۸ آبادی در ۱۳۴۵ و ۸۴۴۴۰ آبادی در ۱۳۵۲ افزایش یافت (آمارهای روستایی و کشاورزی ایران، ۱۳۶۱، ص. ۱۷۸؛ کریمپور، ۱۳۶۶، ص. ۹۳).

هم‌زمان با این تحولات در شیوه معیشت و وضع اجتماعی عشایر و نیز از دست رفتن نیروی رزم‌آوری آنان، در اواخر دوره پهلوی در مکاتبات رسمی برای بخشیدن هویت تازه به بقایای ایلات و عشایر، از آن‌ها با عنوان «دامداران متحرک» یاد و حتی سازمان متولی امور عشایر، سازمان دامداران متحرک نامیده شد (رستریو، ۱۳۵۹، صص. ۷-۶؛ کشاورز صدر، ۱۳۷۲، ص. ۲۰).

۱. این برنامه‌ها با واکنش عشایر روبرو شد، چنان‌که آخرین رویارویی بزرگ در پی کشاکش میان حکومت و خوانین و سران عشایر استان فارس بر سر اجرای انقلاب سفید و به‌ویژه اصلاحات ارضی به سبب از دست رفتن منابع درآمد خوانین و فشار و سرکوب در پی قتل رئیس «حوزه اصلاحات ارضی منطقه فیروزآباد» روی داد. در پی آن دولت اعلام کرد ایل و طایفه دیگر به‌صورت رسمی وجود خارجی ندارد و این واژه‌ها از مکاتبات اداری و دولتی حذف می‌شود. در ادامه دولت فرمان خلع سلاح را صادر کرد. این رویدادها زمینه‌ساز بروز درگیری میان طرفین طی اواخر ۱۳۴۱ تا تابستان ۱۳۴۲ گردید که سرکوب عشایر و اعدام برخی از سران آن‌ها را در پی داشت (بک، ۱۳۹۶، صص. ۲۹۱-۲۸۸؛ notbmaL, 1969, p.126, 113).

گرچه در هیچ‌یک از برنامه‌های عمرانی دوره پهلوی فصلی به عشایر اختصاص داده نشد، طی برنامه‌های سوم تا پنجم طرح‌های گسترده‌ای در مناطق عشایری به عمل آمد. برای نخستین بار طی برنامه عمرانی سوم کشور (۱۳۴۶-۱۳۴۱) به مناطق عشایری توجه شد. در این برنامه طرح‌های گروه‌های آبادانی عشایری در مناطق عشایری بختیاری، قشقایی، بویر احمد، کرد و بلوچ و نیز آموزش عشایری فارس پیش‌بینی و اجرا گردید (کیاوند، ۱۳۸۰، صص. ۱۴۹-۱۴۶). در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۷) نیز طرح آبادانی مناطق عشایری در قالب دفتر آبادانی مناطق عشایری در وزارت مسکن و آبادانی و نیز طرح توسعه و تجهیز تعلیمات عشایری و در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۶-۱۳۵۲) طرح آبادانی مناطق عشایری، طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی عشایر کرمان و کرمانشاهان و طرح آموزش عشایری مورد توجه قرار گرفت (کیاوند، ۱۳۸۰، صص. ۱۵۵-۱۵۱). همچنین در «قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی» مصوب ۱۳۵۰، تأسیس سازمان دامداران متحرک «به‌منظور اداره امور و راهنمایی دامداران متحرک کشور و اصلاح روش‌های بهره‌برداری از منابع دامی آنان و ایجاد ایستگاه‌های استقرار و انتظار دام و کشتارگاه‌های صنعتی و سردخانه‌ها و کارخانجات غذای دام و تبدیل فرآورده‌های دامی در مناطق تولید و مصرف عمده یا عشایری و فراهم کردن موجبات اسکان» عشایر پیش‌بینی گردید. بر پایه اساسنامه این سازمان مصوب ۱۳۵۳ وظایف و اختیارات آن عبارت بود از: «مطالعه و شناسایی امکانات و نیازمندی‌های دامداران متحرک در مورد امور دام و اسکان؛ فراهم آوردن موجبات اسکان دامداران متحرک، با همکاری وزارت کشور؛ تهیه و تنظیم و اجرا و نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی و نوسازی مربوط به امور دامداران متحرک و تهیه و تنظیم و اجرای برنامه‌های مربوط به صنعتی کردن دامداری عشایری و اصلاح روش‌های بهره‌برداری از منابع دامی» (روزنامه رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۳). در این قانون شهر اصفهان که از نظر موقعیت جغرافیایی محل تلاقی بزرگ‌ترین اجتماع دامداران ایران، یعنی دامداران بختیاری، لر و قشقایی بود، به‌عنوان مرکز استقرار این سازمان تعیین شد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۱). در تیرماه سال ۱۳۵۵ نیز سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران به مدت سه روز در کرمانشاه برگزار شد.

برنامه اسکان عشایر در شرایطی اجرا شد که در ۱۳۵۰ عشایر همچنان نقش عمده‌ای در تولید نیمی از گوشت مصرفی کشور داشتند که حدود دویست میلیون کیلوگرم بود و سهم آن‌ها در تولید ناخالص ملی شش درصد بود. هزینه علوفه مورد نیاز برای تولید این مقدار گوشت حدود بیست میلیارد ریال یا دویست و هشتاد میلیون دلار تخمین زده می‌شد. درحالی که عشایر، علوفه مورد نیاز احشام را به رایگان از مراتع تأمین می‌کردند. از همین رو نادر افشار نادری، مردم‌شناس پیشنهاد کرد که برنامه اسکان عشایر به شکلی که به تقلیل میزان تولید آن‌ها بیانجامد متوقف گردد (افشار نادری، ۱۳۶۲، صص. ۳۴۶-۳۴۷، ۳۴۴، ۳۴۱). به‌رغم این واقعیت، کاهش جمعیت عشایر کوچنده، کاهش تولید گوشت و افزایش جمعیت شهرنشین مصرف‌کننده گوشت، زمینه‌ساز واردات فزاینده گوشت در اواخر دوره پهلوی گردید، چنان‌که ارزش گوشت وارداتی حدود پنج میلیارد و دویست میلیون ریال در ۱۳۵۲ به حدود سی و یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال در ۱۳۵۶ افزایش یافت (رسترو، ۱۳۵۹، صص. ۵۵-۵۶).

هم‌زمان با کوشش برای یکجانشین کردن، تغییر شیوه معیشت از کوچ‌روی به رمة گردانی و کشاورزی و گسترش سواد در میان عشایر، از اواخر دوره پهلوی کوشش‌هایی برای پاسداشت و معرفی میراث فرهنگی ایلات و عشایر به‌عنوان فرهنگ قدیم و سنتی ایران آغاز گردید، از جمله جشنواره ایل قشقایی در شیراز در ۱۳۴۵/۱۹۶۶ و نمایشگاه‌های سبک زندگی و آداب و رسوم عشایر برگزار شد و در رسانه‌ها در این زمینه اطلاع‌رسانی شد. لباس، رقص و موسیقی عشایر در جشنواره هنر و سنت‌های ایرانی در ۱۳۵۶/۱۹۷۷ به نمایش درآمد و فروشگاه‌های فرش و صنایع‌دستی عشایر راه‌اندازی شد (بک، ۱۳۹۶، صص. ۳۳۹-۳۳۶). همچنین پژوهش‌های دانشگاهی با رویکرد مردم‌شناختی درباره عشایر با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در ۱۳۳۷ (گلچین، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، ص. ۲۴۸) آغاز گردید. در اداره فرهنگ عامه (تأسیس ۱۳۳۷، از ۱۳۵۲ با عنوان مرکز ملی پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه) و مرکز مردم‌شناسی ایران (تأسیس ۱۳۵۳) در وزارت فرهنگ و هنر نیز پژوهش‌هایی با رویکرد فرهنگی و با تأکید بر آداب و رسوم ایلات و عشایر انجام شد که برخی از آن‌ها در مجله هنر و مردم (طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷) و مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران (طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶) انتشار یافت

(دالوند، ۱۳۸۸، صص. ۲۰۹-۲۰۷؛ ۱۳۹۰، صص. ۱۷۳-۱۶۸؛ ۱۳۹۱، صص. ۱۶۲-۱۶۰). در ادامه همین روند، دفتر آبادانی مناطق عشایری در وزارت آبادانی و مسکن نیز مجموعه پژوهش‌هایی را برای بررسی وضع ایلات و عشایر و ارائه «پیشنهادهایی برای آبادانی سرزمین آن‌ها» تنظیم و منتشر کرد. همچنین در واپسین سال‌های حکومت پهلوی، سازمان برنامه و بودجه، مجموعه پژوهش‌هایی را سازمان‌دهی کرد (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، صص. ۹۴-۷۰). نهاد ایرانی «لژیون خدمتگزاران بشر» (تأسیس ۱۳۴۹) نیز گزارش‌هایی درباره عشایر تهیه و چاپ کرد (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، صص. ۱۵۷-۱۵۵). در این دوره طرح تأسیس دو رشته به نام‌های ایل‌شناسی و فرهنگ عامه و مطالعات ایلی وجود داشت، گرچه به‌جایی نرسید (طبری، ۱۳۸۸، صص. ۱۲-۱۱).

۳. سیاست‌های عشایری در دوره جمهوری اسلامی

در دوره جمهوری اسلامی، سیاست‌گذاری واکنش‌گونه حکومت انقلابی و نیز نقش عمده عشایر در تولید گوشت مصرفی کشور، موجب طرح سیاست دیگری شد. در آغاز این دوره، سیاست تشویق به کوچ‌نشینی دنبال شد؛ اما به‌زودی در کنار آن، سیاست اسکان خودخواسته و تغییر شیوه معیشت به کشاورزی و رمة گردانی نیز در قالب طرح‌های عمران مناطق عشایری در دستور کار قرار گرفت.

در آغاز دوره جمهوری اسلامی، امام خمینی در ۱۳۵۸ از عشایر به‌عنوان «یکی از بهترین خزائن ملت» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۵۳) و «ذخیره مملکت» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۹) یاد کرد و در چندین سخنرانی سیاست‌های حکومت پهلوی درباره عشایر را نکوهش کرد (امام خمینی، ج ۶، ص ۵۲۲؛ ج ۷، صص. ۴۹۰، ۳۵۴-۳۵۳، ۳۲۸). از همین‌رو در آغاز دوره جمهوری اسلامی سیاست تشویق و تسهیل کوچ‌نشینی و تقویت عشایر در دستورکار قرار گرفت (کیاوند، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷). عدم مشارکت عشایر صرف‌نظر از برخی از ایلات گُرد از قبیل شکاک و نیز ایل قشقایی، در درگیری‌های نخستین سال‌های نظام جمهوری اسلامی با توجه به نیروی نظامی اندکشان (دیگار، ۱۳۶۸، صص. ۲۳۵-۲۳۴؛ بک، ۱۳۹۶، صص. ۳۷۴-۳۶۰، ۳۵۹-۳۵۵، ۳۵۱-۳۴۸، ۳۴۶-۳۴۷) و نفی بقایای نفوذ رؤسای ایلات و عشایر همراه با نفی ارزش‌های دوره شاهنشاهی (عزیزی بنی‌طرف، ۱۳۷۲، صص. ۱۳-

۱۲) به آسودگی خاطر حکمرانان از جانب عشایر و ادامه یافتن سیاست یادشده کمک کرد. در راستای سیاست‌های انقلابی، شورای انقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۹، به پیشنهاد وزارت کشور و به منظور «رسیدگی به وضع عشایر و بهبود وضع زندگی آنان و همچنین احیای فرهنگ و سنت‌های بومی و عشیره‌ای و جبران لطماتی که در اثر سلطه طاغوت بر عشایر ایران وارد آمده و برای از قوه به فعل درآوردن استعدادهای رزمی و نظامی جنگ‌آوران عشایر و جهت دادن این استعدادها در حمایت از انقلاب اسلامی و حل مسئله دامداری و امنیت ییلاق و قشلاق و خدمات اجتماعی از قبیل مدرسه و بهداشت»، تشکیل دائم شورای عالی عشایر ایران را تصویب کرد. در مراکز استان‌ها و شهرستان‌های محل سکونت عشایر نیز شوراهایی مشابه شورای یادشده تشکیل شد (روزنامه رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹).

در ۹ مهرماه ۱۳۶۵ تشکیلات شورای عالی عشایر ایران و ارکان آن، به تصویب هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران رسید (گزارشی از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب، ۱۳۶۸، ص. ۸۵). در مهرماه ۱۳۶۵، اولین نشست «شورای عالی عشایر ایران» به ریاست نخست‌وزیر و عضویت تعدادی از وزرا و نخبگان عشایری تشکیل شد. متعاقب تشکیل این شورا، ارکان آن از جمله دبیرخانه شورای عالی عشایر، شوراهای عشایری بیست استان عشایر نشین و شهرستان‌های تابعه فعالیت خود را آغاز کردند. این شورا مصوباتی برای ساماندهی و ارائه خدمات به جامعه عشایری تصویب کرد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۱). در تیرماه ۱۳۶۰، سازمان دامداران متحرک به مرکز عشایری ایران و سپس سازمان امور عشایر ایران تغییر نام داد و بدین ترتیب هویت قدیم عشایر به رسمیت شناخته شد (صفی‌نژاد ۱۳۶۸، ص. ۵۵؛ منابع و مآخذ عشایر ایران به فارسی، ۱۳۶۶ [مقدمه بدون شماره صفحه]). پس از تصویب قانون تأسیس وزارت جهاد سازندگی در آذر ۱۳۶۲، طبق تبصره ماده چهارم این قانون سازمان امور عشایر (دامداران متحرک) از وزارت کشاورزی جدا و به این وزارتخانه واگذار شد (گزارشی از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب، ۱۳۶۸، ص. ۸۴) تا در عمل به جای تشویق کشاورزی، کوچ‌نشینی و دامداری مورد تشویق قرار گیرد.

در این زمان مهم‌ترین مشکلات رویاروی جامعه عشایری ایران عبارت بود از: تخریب

بیش از حد مراتع و نامشخص بودن شیوه بهره‌برداری، نبود راه‌های ارتباطی، بالا بودن نرخ بی‌سوادی، کمبود منابع آب بهداشتی و وجود امراض مسری به علت فقدان آب و امکانات بهداشتی و عدم رعایت بهداشت و سوء تغذیه (گزارشی از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب، ۱۳۶۸، ص. ۸۵). در راستای رفع این مشکلات در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) دولت در خصوص مسائل قضایی، امنیتی و بیمه عشایر تکالیفی بر عهده گرفت. در برنامه دوم (۱۳۷۳-۱۳۷۷) تأمین سوخت، در برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) بر توجه به معیشت و اشتغال با حفظ توانمندی‌های تولیدی عشایر، ایجاد امکانات زیربنایی و خدمات‌رسانی، رفاه عمومی و اجتماعی، در برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) بر حفظ ذخایر ژنتیکی دام، بیمه و فرهنگ عشایر و در برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۳) بر توسعه راه‌های عشایری تأکید شد. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز به جامعه عشایری توجه گردید (میزبان، ۱۳۹۶، صص. ۱۵-۱۲؛ همچنین ر.ک. به: رضایی، ۱۳۹۶، صص. ۴۴-۳۱).

بر اساس این برنامه‌ها برای جلوگیری از تخریب مراتع و جنگل‌ها، اقداماتی برای تأمین علوفه دام انجام و اعتبارات و تسهیلاتی در نظر گرفته شد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۲۳، ص. ۱۴؛ روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۱، ص. ۷؛ روزنامه کیهان، ۱۳۹۴/۲/۳، ص. ۹) و سوخت جایگزین فسیلی از زمان برنامه اول توسعه کشور در اختیار عشایر قرار داده شد. در سال ۱۳۸۶ حدود ۷۶۰ جایگاه ذخیره نفت و ۱۸۰ جایگاه توزیع گاز مایع در مناطق عشایر کشور وجود داشت (روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۸/۲۵، ص. ۴). به علاوه به‌رغم این واقعیت که تغییر آب‌وهوا و گرم شدن زود هنگام و خشکسالی موجب کوچ زود هنگام یا دیر هنگام عشایر گردید (روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۱/۲۸، ص. ۳؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۹/۳، ص. ۱۱؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۵/۱۰، ص. ۱۱؛ روزنامه ایران، ۱/۲۸/۱۳۹۲، ص. ۱۱؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۵/۵/۲۶، ص. ۱۵؛ روزنامه کیهان، ۱۴۰۰/۱/۱۹، ص. ۴)، برای جلوگیری از تخریب مراتع نارس، کوچ زود هنگام ممنوع شد و عشایر متخلف جریمه شدند (روزنامه ایران، ۱۳۹۱/۲/۴، ص. ۱۱؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۲/۸/۱، ص. ۱۵؛ روزنامه کیهان، ۱۳۹۴/۳/۲، ص. ۷؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۸/۱/۲۳، ص. ۱۶). برای کشیدن و بهسازی راه‌های عشایری نیز اقدامات گسترده‌ای صورت گرفت (روزنامه وطن امروز، ۱۳۹۱/۹/۱۸، ص. ۶؛ روزنامه رسالت، ۱۳۸۶/۵/۲۷، ص. ۲۰؛ روزنامه کیهان، ۱۳۹۱/۵/۲، ص. ۱۱؛ روزنامه

کیهان، ۱۳۹۴/۴/۲۲، ص. ۷؛ روزنامه ایران، ۱۳۹۷/۶/۱۵، ص. ۱۹. همچنین با راه اندازی دفتر آموزش و پرورش عشایری و دفتر امور مناطق کمتر توسعه یافته و عشایر کشور در وزارت آموزش و پرورش، بحث آموزش عشایری مورد توجه بیشتری قرار گرفت (روزنامه رسالت، ۱۳۸۵/۱۱/۱۵، ص. ۱۶؛ روزنامه کیهان، ۱۳۹۴/۱۱/۷، ص. ۷).

در راستای بهبود وضع بهداشتی عشایر نیز پست‌های دامپزشکی و مراکز بهداشتی و درمانی راه اندازی و حمام و توالت‌های بهداشتی ساخته شد (گزارشی از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب، ۱۳۶۸، ص. ۸۷) و عشایر مشمول بیمه درمانی رایگان شدند (روزنامه همشهری، ۱۳۸۵/۲/۲، ص. ۶). در ۱۳۸۵ رئیس سازمان امور عشایر ایران با توجه به اینکه این سازمان به تنهایی قادر به رفع همه مشکلات جمعیت ۲۰۰ هزار خانواری عشایر ایران نیست، از پیگیری طرح تشکیل شورای عالی عشایر متشکل از چند وزارتخانه و سازمان از سوی وزیر جهاد کشاورزی خبر داد (روزنامه قدس، ۱۳۸۵/۶/۱۴، ص. ۶). در این راستا، در ۱۳۹۹ شورای عالی عشایر و توسعه روستایی (از بهمن ۱۴۰۰ به نام شورای عالی جهاد سازندگی، امور عشایر و توسعه روستایی) تأسیس گردید (پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۹؛ خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، ۱۴۰۰).

در کنار این اقدامات عملی برای فراهم نگه داشتن اسباب و ابزارهای کوچ، جهت تقویت زمینه‌های ذهنی و حفظ بسیاری از آداب و رسوم عشایری که در پی ارتباط با جوامع یکجانشین و به‌ویژه شهرنشینان در معرض زوال بود، اقداماتی صورت گرفت. در سال ۱۳۹۲، شورای عالی انقلاب فرهنگی روز ۱۵ مهر را به نام «روز ملی روستا و عشایر» نام گذاری کرد (روزنامه شرق، ۱۴۰۰/۷/۴، ص. ۵). ثبت برخی از موارث فرهنگی عشایر، از جمله ثبت ملی «آیین کوچ عشایر» به‌عنوان میراث معنوی در سال ۱۳۸۸ (روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۸/۲/۲۷، ص. ۱۹) و کوشش برای ثبت «کوچ عشایر بختیاری» در یونسکو در سال ۱۳۸۵ (روزنامه همشهری، ۱۳۸۵/۱/۲۲، ص. ۶) در دستور کار قرار گرفت. افزون بر این، نهادهایی از قبیل نخستین «اکوموزه عشایر کشور» در فیروزآباد در سال ۱۳۸۶ (روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۱۰/۱۶، ص. ۲۰) و «خانه عشایر ایران» در تهران در سال ۱۳۹۱ راه اندازی شدند (روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳، ص. ۵).

همچنین جشنواره‌هایی برای آشنایی همگان با فرهنگ عشایری و معرفی محصولات

دامی و صنایع دستی برگزار شده است (روزنامه جام‌جم، ۲/۲۹/۱۴۰۰، ص. ۱۶)؛ از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «جشنواره سراسری موسیقی عشایر و اقوام ایران» در سال ۱۳۸۱ (جشنواره حوزه هنری، ۱۳۸۱، صص. ۹-۱۲)، «جشنواره سراسری فرش عشایری» از سال ۱۳۸۴ (روزنامه دنیای اقتصاد، ۷/۲/۱۳۸۵، ص. ۲۸)، «جشنواره کوچ عشایر» از سال ۱۳۸۵ (روزنامه همشهری، ۲/۲۳/۱۳۸۵، ص. ۸؛ روزنامه جام‌جم، ۱/۲۹/۱۳۹۸، ص. ۱۶)، «نخستین جشنواره سراسری عکس عشایر ایران» در سال ۱۳۸۵ (روزنامه اطلاعات، ۲/۱۹/۱۳۸۵، ص. ۹)، «نخستین جشنواره تکریم فرهیختگان و تلاشگران عرصه علم، فرهنگ و هنر عشایر ایران» در سال ۱۳۸۵ (روزنامه اعتماد، ۳/۶/۱۳۸۵، ص. ۶) و «جشنواره ملی صدای عشایر» در سال ۱۳۹۱ (روزنامه ایران، ۱۱/۱۲/۱۳۹۱، ص. ۲۴).

همایش‌هایی نیز برای بررسی مسائل جامعه عشایری برگزار گردید؛ از جمله کنفرانس «چشم‌انداز آینده عشایر» در سال ۱۳۶۴ (موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص. ۶۹)، سمینار «استراتژی توسعه زندگی عشایر» در سال ۱۳۶۹، کنفرانس بین‌المللی «عشایر و توسعه» در سال ۱۳۷۱ (قبری، ۱۳۷۱، ص. ۱۱)، همایش ملی «ساماندهی جامعه عشایر ایران» در سال ۱۳۸۳ (اکبری، ۱۳۸۲، ص. ۴) و نخستین و دومین همایش «فرهنگ و هنر عشایر ایران» در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ (روزنامه کیهان، ۶/۵/۱۳۸۷، ص. ۳؛ روزنامه اعتماد، ۹/۱۲/۱۳۸۸، ص. ۱۲). پژوهش‌های عشایری به اهتمام مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی نیز ادامه یافت (مسهودیان، ۱۳۹۷). همچنین از زمستان ۱۳۶۶، فصلنامه ذخایر انقلاب و بولتن ماهانه عشایر در آینه مطبوعات از سوی سازمان امور عشایر ایران انتشار یافت (گزارشی از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب، ۱۳۶۸، ص. ۸۷). از این میان، انتشار فصلنامه با وقفه‌هایی تاکنون ادامه داشته است. گروه‌های مردم‌شناسی در دانشگاه‌ها نیز بر مطالعه ایلات و عشایر متمرکزند.

از آنجاکه با حذف این عناصر و فروپاشی شیرازه ایلات بزرگ، این ایلات به شکل طایفه‌ها و امروزه به شکل دستجاتی پراکنده فاقد سلسله‌مراتب و سرکرده در سطح عالی درآمده‌اند و دولت و مأموران دولتی بیشترین نقش را در اداره امور عشایر عهده‌دار شده‌اند (کرپور، ۱۳۶۶، ص. ۸۹)، در دوره اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶) برای مشارکت دادن عشایر در امورشان، شوراهای اسلامی در برخی از دهواره‌های عشایری

تشکیل گردید (میزبان، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۵) که هم‌اکنون با عنوان شوراهای اسلامی روستا و تیره‌های عشایری شوراهای روستایی به رتق و فتق امور عشایر می‌پردازند (روزنامه ایران، ۱۳۸۰ / ۱۷ / ۱، ص. ۶).

به‌رغم اقدامات انجام شده، از سویی مشکلات عشایر در مسیر کوچ شامل از بین رفتن اتراقگاه‌های عشایری، از بین رفتن مراتع و گرانی علوفه دستی و آب آشامیدنی و خشکسالی، نبود ایل‌راهای مناسب، گسترش حاشیه‌نشینی، کاهش نیروی رزم‌آوری عشایر و افزایش سرقت رمه‌های عشایر و مقرون به‌صرفه نبودن دامداری (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۱، صص. ۱۲۷-۱۲۵؛ روزنامه رسالت، ۱۳۸۵ / ۷ / ۲۰، ص. ۲۰؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۹ / ۱۰ / ۱۸، ص. ۱۵؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۲ / ۲ / ۱۸، ص. ۱)، از دیگر سو گسترش نرخ سواد به حدود ۶۳ درصد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، ص. ۲۱)، گرایش به استفاده از تسهیلات و خدمات رفاهی و از دست رفتن علاقه به شیوه زندگی کوچ‌نشینی، رفته‌رفته تمایل عشایر به کوچ را کمتر کرده، زمینه‌ساز تقویت گرایش به کشاورزی و یکجانشینی در عموم ایلات گردیده است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۷، صص. ۲۵۳-۲۵۱؛ کریمپور، ۱۳۶۶، ص. ۸۹؛ روزنامه رسالت، ۱۳۸۵ / ۷ / ۲۰، ص. ۲۰؛ روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۹ / ۶ / ۲۹، ص. ۱۵).

چنین مسائلی خیلی زود زمینه‌ساز توجه به طرح‌هایی برای اسکان برنامه‌ریزی شده عشایر شد که در آغاز در قالب طرح عمران مناطق عشایری مطرح گردید، چنان‌که در ۱۳۶۸ طرح مطالعه و عمران دشت‌های مستعد عشایری در دستور کار قرار گرفت که بر اساس آن، می‌بایست دشت‌ها و منابع باقیمانده قلمروهای عشایری، به‌منظور جلوگیری از اختصاص آن‌ها به غیر عشایر، با حفر چاه و تأمین آب از سوی عشایر، به زیر کشت برود. در ادامه و در ۱۳۶۹ طرح یادشده به طرح توسعه جامع مناطق عشایری تغییر نام یافت. گرچه در برخی استان‌ها، زمینه اسکان عشایر و تحول در شیوه معیشت آن‌ها عملاً آغاز گردیده بود، در طرح اخیر اسکان داوطلبانه عشایر با حمایت‌های همه‌جانبه‌تری همراه و به‌عنوان محور فعالیت سازمان امور عشایر مطرح شد (موسوی نژاد، ۱۳۷۷، ص. ۷۰).

در ادامه این طرح‌ها، برای نخستین بار اسکان عشایر ماهیت قانونی یافت و در برنامه دوم توسعه، اسکان ۲۰۰۰۰ خانوار عشایری و تأمین تسهیلات موردنیاز و نیز احداث مسکن اسکان تکلیف گردید. در برنامه سوم نیز ساماندهی عشایر مورد تصویب و تأکید قرار

گرفت، گرچه در هیچ کدام از این برنامه‌ها، آیین‌نامه‌های اجرایی، چگونگی هماهنگی و الزامات کار هرگز تصویب و ابلاغ نشد (اکبری، ۱۳۸۲، ص. ۲). در برنامه چهارم توسعه نیز از اسکان نیمی از جمعیت عشایری کشور سخن گفته شد، اما در ۱۳۸۵ کارشناسان در غیاب برنامه‌ریزی مناسب آن را دور از دسترس دانستند (روزنامه سرمایه، ۱۳/۴/۱۳۸۵، ص. ۶). در آیین‌نامه ساماندهی عشایر مصوب ۱۳۸۴ نیز بر موضوع اسکان عشایر تأکید شد (آیین‌نامه اجرایی ساماندهی عشایر، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۴-۱۸۵).

در مجموع، خدمات‌رسانی به عشایر تحت تأثیر موضوع اسکان قرار گرفت و سهم اعتبارات سالانه عشایر نسبت به اعتبارات عمرانی کل کشور رو به کاهش نهاد (اکبری، ۱۳۸۲، ص. ۲). بدین ترتیب فرایند اسکان خودخواسته عشایر ادامه یافته (برای اطلاع بیشتر درباره اسکان و آسیب‌شناسی آن ر. ک. به: توکلی و ضیاءتوانا، ۱۳۸۸، صص. ۸۳-۵۷؛ پرهت، ۱۳۷۸، صص. ۸۴-۷۱؛ رحیمی، ۱۳۹۶، صص. ۹۴-۷۵؛ ریاحی و کریمی، ۱۳۹۶، صص. ۱۱۲-۹۵؛ حیاتی، ۱۳۸۵، صص. ۹۹-۶۷) و در مناطق عشایری زندگی کوچ‌نشینی جای خود را به یکجانشینی داده است، چنان‌که جمعیت عشایر ایران که از ۱۱۵۳۰۰۰ تن در ۱۳۶۶ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷، ص. ۱) به حدود ۱۳۰۵۰۰۰ تن در ۱۳۷۷ افزایش یافته بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، صص. ۱۸۰، ۱۳۲، ۸۲)، در ۱۳۸۷ به ۱۱۸۶۸۳۰ تن (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، ص. ۱۸) و در ۱۳۹۹ به حدود ۱۱۰۹۰۰۰ تن کاهش یافت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹، ص. ۵).

در مجموع، در حالی که در اواخر سده سیزدهم قمری جمعیت عشایری حدود ۲۵ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌داد، این میزان در دهه‌های اخیر به کمتر از دو درصد کاهش یافته است (Annamoradnejad & Lotfi, 2010, p.335). در این دوره در پی این تغییر مهم، ایلات و عشایر به گروه‌های قومی تبدیل شده‌اند (بک، ۱۳۹۶، ص. ۳۲۸). این گروه‌های قومی تا حدودی آگاهی از هویت ایلی و طایفه‌ای را حفظ کرده و مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تقریباً از شکل و سامان ویژه‌ای برخوردار است.

نتیجه گیری

از آغاز مشروطه، موضوع اسکان ایلات و عشایر با توجه به سرکشی و غارت گری آنان، از سوی منورالفکران و مشروطه خواهان مطرح بود. پس از کودتای ۱۲۹۹ و شکل گیری حکومت پهلوی به عنوان نخستین حکومت غیر ایلی ایران در سده های اخیر، سیاست عشایری تدوین و در دستور کار قرار گرفت. هدف از این سیاست، تحت نظر گرفتن عشایر، برقراری امنیت و کوشش برای مهندسی اجتماعی و ادغام جمعیت کوچ رو در جامعه یکجانشین، به امید ایجاد جغرافیای واحد در سرزمین ایران بود.

این سیاست طی سه دوره به اجرا درآمد: در دوره نخست که از حدود ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ به درازا انجامید با خلع سلاح عشایر و یکجانشینی اجباری و در نتیجه جنگ با آنها همراه بود. در این راستا اداره اسکان عشایر زیر نظر وزارت داخله (کشور) و دارالتربیه عشایری تأسیس شد. قدرت خوانین کاهش یافت. با تشکیل ارتش مدرن، عشایر اهمیت نظامی پیشین را از دست دادند. با محدود کردن کوچ و صدور مجوز برای شمار مشخصی از اعضای هر ایل و تشویق به کشاورزی، کوشش شد شیوه معیشت عشایر به رمه گردانی و کشاورزی تغییر یابد. در اواخر این دوره تعدیل سیاست یادشده به سبب تأثیر منفی بر اقتصاد کشور در دستور کار قرار گرفت. به هر رو در اثر این سیاست جمعیت عشایر در اواخر این دوره کاهش یافت.

دوره دوم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در آغاز با آزادی عمل عشایر و بازگشت دسته هایی از آنها به زندگی عشایری و نوعی همکاری میان حکومت و عشایر در برابر تحرکات بر ضد دولت مرکزی و نیز فعالیت های حزب توده همراه بود اما رفته رفته حکومت با مسلط شدن بر اوضاع بار دیگر سیاست قدیم را در دستور کار قرار داد از جمله در ۱۳۲۵ شورای عالی عشایر ایران را تشکیل داد.

در دوره سوم از ۱۳۳۲ و به ویژه ۱۳۴۱ تا پایان حکومت پهلوی با تشکیل شورای عالی عشایر ایران، تأسیس دفتر آبادانی مناطق عشایری در وزارت مسکن و آبادانی و سازمان دامداران متحرک و تدوین برنامه هایی همراه بود که در قالب انقلاب سفید و نیز برنامه های عمرانیه به اجرا درآمد. محدود کردن امکان تداوم زندگی عشایری از سویی و متمایل کردن اعضای جامعه عشایری به ویژه نسل جوان آنان به یکجانشینی زندگی عشایر را دچار

دگرگونی کرد و بسیاری از آنان متمایل به یکجانشینی شدند. افزایش شمار آبادی‌های کشور گواهی بر این امر است. هم‌زمان کوشش‌هایی برای پاسداشت آداب و رسوم عشایری انجام شد.

در دوره جمهوری اسلامی سیاست‌گذاری واکنش‌گونه حکومت انقلابی و نیز نقش عمده عشایر در تولید گوشت مصرفی کشور موجب شد در آغاز سیاست تشویق به کوچ‌نشینی در دستور کار قرار گیرد. تأسیس شورای عالی عشایر ایران، تغییر نام سازمان دامداران متحرک به مرکز عشایری ایران و سپس سازمان امور عشایر ایران و انتقال این سازمان از وزارت کشاورزی به وزارت جهاد سازندگی در این راستا انجام شد. این نهادها در قالب برنامه‌های توسعه به فعالیت‌های مختلفی جهت تداوم حیات و بهبود وضع معیشت عشایر و نیز توجه به فرهنگ و آداب و رسوم عشایری دست زدند؛ اما به‌زودی از ۱۳۶۸ در کنار این سیاست، سیاست اسکان خودخواسته و تغییر شیوه معیشت به کشاورزی و رمة گردانی در قالب طرح‌های مطالعه و عمران دشت‌های مستعد عشایری و عمران مناطق عشایری نیز در دستور کار قرار گرفت. در ادامه این طرح‌ها، برای نخستین بار در برنامه دوم توسعه اسکان عشایر ماهیت قانونی یافت. این سیاست در برنامه‌های بعدی توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفت. گرچه در هیچ کدام از این برنامه‌ها، آیین‌نامه‌های اجرایی، چگونگی هماهنگی و الزامات کار هرگز تصویب و ابلاغ نشد، خدمات‌رسانی به عشایر تحت تأثیر موضوع اسکان قرار گرفت و سهم اعتبارات سالانه عشایر نسبت به اعتبارات عمرانی کل کشور رو به کاهش نهاد. در چنین شرایطی فرایند اسکان خودخواسته عشایر ادامه یافته و در مناطق عشایری زندگی کوچ‌نشینی جای خود را به یکجانشینی داده است.

منابع

- آتالی، ژاک (۱۳۹۸). انسان خانه به دوش. ترجمه علی اصغر سرحدی، تهران: امیرکبیر.
- آبرونز، ویلیام (۱۳۶۲). کوچ نشینی به عنوان راهی برای سازگاری سیاسی: نمونه ترکمن های یموت. ترجمه پیروز الف، تهران: آگاه.
- آیین نامه اجرایی ساماندهی عشایر (۱۳۸۴). فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ۹ (۴۵) و ۴۶، (۱۸۵-۱۹۴). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/123049>
- احتسایان، احمد (۱۳۱۸). جغرافیای نظامی ایران. تهران: دانشکده افسری.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۹). خطرات من، یا روشن شدن تاریخ صدساله. تهران: ابوریحان.
- افشار نادری، نادر (۱۳۶۲). اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن. تهران: آگاه.
- اکبری، علی (۱۳۸۲). پیشگفتار. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ۷ (۳۷ و ۳۸)، ۱-۵.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۲). نظام اجتماعی - سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن. تهران: آگاه.
- امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۷). کوچ نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات. تهران: آگاه.
- امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۱). مسائل و مشکلات کوچ نشینان (عشایر) از دیدگاه مردم شناسی. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۱۸)، ۱۱۹-۱۳۰.
- ایوانف، میخائیل سرگی یویچ (۱۳۸۵). عشایر جنوب (عشایر فارس): قشقای، خمسه، کهگیلویه، ممسنی. ترجمه کیوان پهلوان و معصومه داد، تهران: آرون.
- باور، محمود (۱۳۲۴). کوه گیلویه و ایلات آن. گچساران: بی نا.
- بک، لوتیز (۱۳۹۶). قشقای های ایران. ترجمه حمیدرضا جهاندیده، قم: نظاره.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۲). جامعه ایلی در ایران. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بیات، کاوه (۱۳۶۵). شورش عشایری فارس سال های ۱۳۰۹-۱۳۰۷. تهران: نقره.
- بیات، کاوه (۱۳۹۱). نهضت غرب. گفتگو، ۲۰ (۶۱)، ۵۳-۷۶. <http://noo.rs/hlZHu>

- بیات، کاوه (۱۳۸۹). نبرد سمیرم، انگلیسی‌ها، قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم. تهران: خجسته.
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۳۹۹).
<https://www.president.ir/fa/114810>
- پرهام، باقر (۱۳۶۲). طرح مسئله ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی. تهران: آگاه.
- پرهت، جهانگیر (۱۳۷۸). مشارکت مردم و مدیریت هماهنگ در کانون‌های اسکان عشایر. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۲ (۲۴)، ۷۱-۸۴.
- پور بختیار، غفار (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷). رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری. مسکویه، ۲ (۸)، ۳۳-۵۶.
<http://noo.rs/0Oq0V>
- پور بختیار، غفار (۱۳۸۷). جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان.
- پهلوی، رضا (۱۳۵۵). رضاشاه کبیر: سفرنامه خوزستان. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- تاپر، ریچاردل (۱۳۶۲). سازمان اجتماع‌های کوچ رو در خاورمیانه. ترجمه ه. مزدا، تهران: آگاه.
- توکلی، جعفر و ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری. روستا و توسعه، ۱۲ (۱)، ۵۳-۸۶.
<https://www.ensani.ir/fa/article/14427>
- کتاب آگاه (۱۳۶۱). مسائل ارضی و دهقانی. تهران: کتاب آگاه.
- قانون انتخابات مجلس شورای ملی (۱۲۹۰).
- https://law.parliran.ir/law/fa/Content/_/173469
- جشنواره حوزه هنری (۱۳۸۱). گزارش نخستین جشنواره سراسری موسیقی عشایر و اقوام ایران. مقام موسیقیایی. (۱۷)، ۹-۱۲.
<http://noo.rs/dUNta>
- جمعی از نویسندگان (۱۳۴۲). ایرانشهر. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- جهانبانی، امان‌الله (۱۳۳۶). عملیات قشون در بلوچستان از مرداد تا بهمن ۱۳۰۷. تهران: چاپخانه مجلس.

- حیاتی، داریوش (۱۳۸۵). تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه دشت بکان فارس. مطالعات اجتماعی ایران، ۱ (۱)، ۶۷-۹۹.
<http://noo.rs/bGssE>
- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۸).
<https://www.isna.ir/news/98071612747>
- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۴۰۰). irna.ir/xjHsfk
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۸). «تاریخ پژوهش‌های فرهنگ مردم و مردم‌شناسی (۸): فعالیت اداره فرهنگ عامه از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۶». فرهنگ مردم، ۸ (۲۹ و ۳۰)، ۲۰۱-۲۲۰.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/488261/>
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۰). تاریخ پژوهش‌های فرهنگ مردم و مردم‌شناسی ایران (۱۰): پیدایش مرکز ملی پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه. فرهنگ مردم، ۱۰ (۳۷) و ۱۵۴-۱۷۶.
[/https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/985524](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/985524)
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۱). تاریخ پژوهش‌های فرهنگ مردم و مردم‌شناسی ایران (۱۱): کارنامه مرکز مردم‌شناسی ایران (۱۳۵۱-۱۳۵۷). فرهنگ مردم، ۱۱ (۴۳ و ۴۴)، ۱۵۰-۱۶۶.
[/https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/985625](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/985625)
- دوراند-گدی، دیوید (۱۴۰۱). وداع با ترکمان‌ها؟ جایگاه نظامی عشایر در ایران سلجوقی به بعد. نیروی نظامی عشایر در ایران و ممالک هم‌جوار در دوره اسلامی، ترجمه حسن افشار، تهران: ققنوس، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- دیگار، ژان پی‌یر (۱۳۶۸). عملکرد ساختار انشعابی و ساختار قدرت در جامعه ایلی و کوچ‌نشین بختیاری. ترجمه اصغر کریمی، تحقیقات جغرافیایی، ۴ (۱۵)، ۱۸۲-۲۵۳.
- رحیمی، احمد (۱۳۹۶). «پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه استان آذربایجان غربی». فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۵۸)، ۷۵-۹۴.
https://www.jzepn.ir/article_207936.html
- رزم‌آرا، حاج علی (الف) (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران: خوزستان. تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- رزم‌آرا، حاج علی (ب) (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران: لرستان. تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش.

- رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۵۵). فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادی‌ها). تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- رستریو، الویا (۱۳۵۹). نظری به ایلات ایران و مسئله اسکان. بی‌جا: مؤسسه پژوهش‌های دهقانی و روستایی ایران.
- رضایی، پژمان (۱۳۹۶). بررسی جایگاه جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی و اجتماعی کشور. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۵۸)، ۳۱-۴۴.
https://www.jzepn.ir/article_207934.html
- روزنامه اطلاعات (۱۳۸۵/۲/۱۹)، شماره ۲۳۶۲۲.
- روزنامه اعتماد (۱۳۸۵/۳/۶)، شماره ۱۱۲۳.
- روزنامه اعتماد (۱۳۸۵/۹/۱۲)، شماره ۲۱۱۸.
- روزنامه ایران (۱۴۰۰/۱/۱۷)، شماره ۷۵۹۶.
- روزنامه ایران (۱۳۸۶/۱۰/۱۶)، شماره ۳۸۳۰.
- روزنامه ایران (۱۳۹۱/۲/۴)، شماره ۵۰۶۱.
- روزنامه ایران (۱۳۹۲/۱/۲۸)، شماره ۵۳۴۲.
- روزنامه ایران (۱۳۸۵/۶/۱۵)، شماره ۶۸۶۹.
- روزنامه ایران (۱۳۹۱/۱۱/۱۲)، شماره ۵۲۸۸.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۲/۲/۱۸)، شماره ۳۶۸۶.
- روزنامه جام جم (۱۳۸۸/۲/۲۷)، شماره ۲۵۶۱.
- روزنامه جام جم (۱۳۸۹/۶/۲۹)، شماره ۲۹۴۸.
- روزنامه جام جم (۱۳۸۹/۱۰/۱۸)، شماره ۳۰۳۷.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۱/۱۱/۲۳)، شماره ۳۶۲۸.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۲/۸/۱)، شماره ۳۸۲۲.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۵/۵/۲۶)، شماره ۴۶۱۶.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۸/۱/۲۹)، شماره ۵۳۶۲.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۸/۱/۲۳)، شماره ۵۳۶۳.
- روزنامه جام جم (۱۴۰۰/۲/۲۹)، شماره ۵۹۴۱.

- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۸۵/۹/۲۳)، شماره ۷۹۴۱.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۵/۷/۲)، شماره ۱۰۶۳.
- روزنامه رسالت (۱۳۸۵/۷/۲۰)، شماره ۵۹۸۶.
- روزنامه رسالت (۱۳۸۵/۱۱/۱۵)، شماره ۶۰۷۶.
- روزنامه رسالت (۱۳۸۶/۵/۲۷)، شماره ۶۲۲۲.
- روزنامه رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۳).
<http://www.dastour.ir/brows/?lid=87094>
- روزنامه رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۹).
<http://www.dastour.ir/brows/?lid=106338>
- روزنامه سرمایه (۱۳۸۵/۴/۱۳)، شماره ۲۱۵.
- روزنامه شرق (۱۴۰۰/۷/۴)، شماره ۱۴۰۶.
- روزنامه قدس (۱۳۸۵/۶/۱۴)، شماره ۵۳۶۹.
- روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۱/۲۸)، شماره ۱۹۰۶۱.
- روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۶/۵)، شماره ۱۹۱۶۶.
- روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۸/۲۵)، شماره ۱۹۲۳۱.
- روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۹/۳)، شماره ۱۹۲۳۸.
- روزنامه کیهان (۱۳۸۹/۵/۱۰)، شماره ۱۹۷۰۵.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۱/۵/۲)، شماره ۲۰۲۶۳.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۳/۱۱/۱۱)، شماره ۲۰۹۸۳.
- روزنامه کیهان، (۱۳۹۴/۲/۳)، شماره ۲۱۰۴۱.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۴/۳/۲)، شماره ۲۱۰۶۴.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۴/۴/۲۲)، شماره ۲۱۱۰۵.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۴/۱۱/۷)، شماره ۲۱۲۶۶.
- روزنامه کیهان (۱۴۰۰/۱/۱۹)، شماره ۲۲۷۱۷.
- روزنامه وطن امروز (۱۳۹۱/۹/۱۸)، شماره ۱۰۲۵.
- روزنامه همشهری (۱۳۸۵/۱/۲۲)، شماره ۳۹۵۷.

- روزنامه همشهری (۱۳۸۵/۲/۲)، شماره ۳۹۶۵.
- روزنامه همشهری (۱۳۸۵/۲/۲۳)، شماره ۳۹۸۳.
- ریاحی، وحید و کریمی، خدیجه (۱۳۹۶). «پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک میلاد در دشت شیلولی استان آذربایجان غربی)». فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۵۸)، ۹۵-۱۱۲.
- https://www.jzcpn.ir/article_207937.html
- سازمان امور عشایر ایران (۱۴۰۱).
- <https://ashayer.ir/index.aspx?&siteid=1&pageid=135&siteid=1>
- سردار بهادر بختیاری، جعفرقلی بن علیقلی (۱۳۷۲). خاطرات سردار اسعد بختیاری: جعفرقلی خان امیر بهادر، تهران: اساطیر.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۶۸). عشایر مرکزی ایران. تهران: امیرکبیر.
- ططری، علی (۱۳۸۸). دیروز و امروز: تاریخ‌نگاری ایلات و عشایر. (مصاحبه)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، (۱۴۲)، ۸-۱۵. <http://noo.rs/zQkib>
- عزیزی بنی‌طرف، یوسف (۱۳۷۲). قبایل و عشایر عرب خوزستان. تهران: آژان.
- غفاری، هیبت‌الله (۱۳۶۸). ساختارهای اجتماعی عشایر بوی‌ر احمد (۶۴ - ۱۳۰۰ هجری شمسی). تهران: نی.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۹). ایران‌ویج. تهران: دانشگاه تهران.
- فیروزان، ت. (۱۳۶۲). درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران. تهران: آگاه.
- قانون انتخابات مجلس شورای ملی (۱۲۹۰).
- قنبری، علی (۱۳۷۱). ضرورت و اهداف کنفرانس بین‌المللی عشایر و توسعه. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۱۹)، ۱۱-۱۲.
- کریم‌پور، ام‌الله (۱۳۶۶). زمینه تغییرات و گرایش‌ها در ایل بختیاری. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱ (۱)، ۸۹-۹۹.
- کتاب آگاه (۱۳۶۱). مسائل ارضی و دهقانی. تهران: کتاب آگاه.
- کشاورز صدر، امیر هوشنگ (۱۳۷۲). جنبه‌هایی از نظام اقتصادی و ساخت اجتماعی در عشایر ایران و درباره یادداشت‌های صدرالدین عینی بخارایی. شیکاگو-ایلینوی: بی‌نا.

- کیاوند، عزیز (۱۳۸۰). سیاست، حکومت و عشایر. تهران: صنم.
- گزارش‌های از سازمان امور عشایری ایران: عشایر، ذخایر انقلاب (۱۳۶۸). جهاد، ۱۰ (۱۲۵)، ۸۴-۸۹. <http://noo.rs/WigEI>
- گلچین، مسعود (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷). مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. نامه علوم انسانی، (۱۷)، ۲۴۷.
- گودرزی، کریم (۱۳۲۷). عشایر ایران. رزم، (۲)، ۴۰-۴۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷). سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۶۶- نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده - تیرماه ۱۳۷۷- نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور- ۱۳۸۷ نتایج کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). خلاصه نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار.
- مسعودیان، مهدی (۱۳۹۷). تحقیقات انجام شده در بخش عشایری موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در فاصله شصت ساله (۱۳۳۷-۱۳۹۷). <https://isr.ut.ac.ir>
- مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۸۶). بررسی اهداف سیاسی - نظامی کوچ و اسکان اجباری برخی طوایف ایلات ایران از اوایل قرن ۱۱ تا اواخر قرن سیزدهم هجری قمری. گنجینه اسناد، ۱۷(۳)، ۲۵-۴۴. <https://ensani.ir/fa/article/178893>
- ملک‌زاده، الهام (۱۴۰۱). مدارس عشایری ایران در دوره پهلوی. تهران: شیرازه.
- ممتحن‌الدوله، مهدی بن رضا قلی (۱۳۵۳). خاطرات ممتحن‌الدوله. تهران: امیرکبیر.
- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۶). منابع و مآخذ عشایر ایران به فارسی. تهران: انتشارات عشایری.

- موسوی نژاد، ابراهیم (۱۳۷۷). رویکرد جدید در عرضه خدمات به عشایر کوچنده. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱ (۲۰)، ۶۷-۷۶.
- میزبان، مهدی (۱۳۸۰). ابعاد تغییر و تحول جامعه عشایری در کسب سازوکارهای جدید برای استمرار الگوی زیست کوچندگی. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۴ (۲۹ و ۳۰)، ۹۵-۱۰۶.
- میزبان، مهدی (۱۳۹۶). خلاصه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه عشایر کوچنده کشور در افق سال ۱۴۰۴. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، (۵۸)، ۹-۳۰.
https://www.jzepn.ir/article_207932.html
- نجمی تبریزی، رضا (۱۳۴۲). کلیات جغرافیای ایران: مشتمل بر اوضاع طبیعی و سیاسی و اقتصادی. تهران: بی‌نا.
- وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۷۸). تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- وزارت آب و برق، سازمان آب و برق آذربایجان (۱۳۴۶). طرح عمران دشت مغان و ارزیابی اقتصادی و اجتماعی. بی‌جا: وزارت آب و برق، سازمان آب و برق آذربایجان.
- واعظ (شهرستانی)، نفیسه (۱۳۸۸). سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران: تاریخ ایران.
- هورکاد، برنار (۱۳۶۲). کوچ و اقتصاد شبانی در دامنه‌های جنوبی البرز. تهران: آگاه.
- Annamoradnejad, R & Sedigheh Lofti (2010). Perspective Demographic Changes of Nomadic Communities in Iran (1956-2008). *Asian Population Studies*, 6 (3), 335-345.
- Arfa, Hasasn (1964), *Under Five Shahs*, London: Murray.
- Bacon, Elizabeth E (1954). Types of Pastoral Nomadism in Central and Southwestern Asia. *Southwestern Journal of Anthropology*, 10 (1), 44-63.
- Cronin, S. (2007). *Tribal Politics in Iran: Rural Conflict and the New State, 1921- 1941*. London & New York: Routledge.
- Deplanhol, X (1968), "Geography of Settlement", *the Cambridge History of Iran*, Vo. 1: the Land of Iran, edited by W. B. Fisher, Cambridge: Cambridge University Press.

-
- Garrod, Captain Oliver (1946), "The nomadic tribes of Persia to day", *Journal of the Royal Central Asian Society*, 33 (1), 32-46.
 - Ghirshman, R (1978), *Iran, from the Earliest Times to the Islamic Conquest*, Paris, Penguin.
 - Lambton, Ann K.S. (1953). *Landlord and Peasant in Persia: A Study of Land Tenure and Land Revenue Administration*. London, New York: Oxford.
 - Lambton, Ann K.S. (1969). *The Persian Land Reform 1962- 1966*, London: Oxford University Press.
 - Magee, Lieut. G. F. (1945). *The Tribes of Fars*, Simla.
 - Morgan, D (2016). *Medieval Persia 1040- 1797*, New York: Routledge.
 - Oberling, Pierre (1974). *The Qashqai Nomads of Fars*, Paris: Mouton.
 - Potts, D. T. (2014). *Nomadism in Iran from Antiquity to the Modern Era*, New York: Oxford University Press.
 - Tapper, Richard (1997), *Frontier Nomads of Iran: a Political and Social History of the Shahsevan*, Cambridge: Cambridge University Press.